

فخرالدین عظیمی

تأملی در نگرش سیاسی مصدق

(گفتارهایی در تاریخ، سیاست، و فرهنگ سیاسی در ایران)



انتشارات خجسته

۱۳۹۴

فهرست

۷ دیباچه
۱۵ ۱. مشروطیت و چالش حکومت
۳۵ ۲. انتخابات بدون حق انتخاب؟
۷۷ ۳. تأملی در نگرش سیاسی مصدق
۱۱۳ ۴. مصدق بر مسند حکومت
۱۳۳ ۵. قوام السلطنه و سودای قدرت
۱۷۱ ۶. رویارویی انگلستان با حکومت مصدق
۱۸۷ ۷. صد سال تکاپو در آرزوی بهروزی، در جستجوی آرامش
۲۱۳ ۸. هویت انقلاب مشروطه
۲۲۹ منابع
۲۳۷ نمایه



مشروطیت و چالش حکومت*

تاریخ سیاسی پرنشیب و فراز ایران در سده گذشته را می توان داستان تلاش برای پی افکندن دولتی مدرن دانست - دولتی که بر قانون و نهادهای قانونی استوار باشد، هویت آن با هویت هیچ فرد و خاندانی آمیخته نباشد و مشروعیت آن، پیامد فراگردها و ترتیبات دموکراتیک باشد. چنین دولتی را - که مشروطه نامیده شد - نباید تنها ترتیباتی مبتنی بر قانون اساسی یا معادلی در برابر constitutional پنداشت. معنای «مشروطه» را در تقابل با مفهوم «استبداد» باید دریافت و چنین تقابلی نشان می دهد که مشروطه با آرزوها و دل بستگی های ژرف برای پی افکندن دولتی آمیخته بود که تبلور اراده و حاکمیت مردم باشد و مشروعیت آن را مردم پیوسته از راه انتخاباتی نامخدوش تأیید کنند. نگاهی به قانون اساسی (منظور قانون اساسی و متمم آن است) و تأملی در روح آن و همچنین توجه به مذاکرات مجلس اول و گفتگوهای سیاسی گسترده ای که در

* صورت کوتاه تری از این نوشته در فروردین ۱۳۸۵ در دانشگاه نورت ایسترن ایلینوی در شیکاگو که به مناسبت صدمین سالگرد انقلاب مشروطه و همچنین برای بزرگداشت مشروطیت و دموکراسی ترتیب یافته بود، به زبان انگلیسی ایراد شد.

سرنوشت‌ساز در تاریخ ایران و سرآغاز گسست با گذشته دانستند. نمودار این باور را در سخن حاج میرزا یحیی امام جمعه خوبی می‌یابیم که در مجلس اول گفت:

پیش از این «مثل عبد زنگبار و حبشه بودیم و ما را صاحب هیچ حقوق بشری نمی‌دانستند.» از پارسال که دولت مشروطه گشت مردم صاحب حقوق شدند...^۱

بی‌گمان انقلاب مشروطه سرآغاز پیدایش برداشت‌هایی نو از حاکمیت، حکومتگری، ملت، و شهروندی بود؛ مفاهیم و اندیشه‌هایی تازه درباره دولت استوار بر قانون، شفاف، خدمتگزار و پاسخگوی شهروندانی که حقوق و وظایفی مشخص دارند و در برابر قانون برابرند، هم در قانون اساسی بازتاب یافت و هم وارد واژگان فرهنگ سیاسی کشور شد. فراگرد پدیدار شدن مشروطیت با اینکه با دشواری‌ها و ناکامی‌های فراوان همراه شد و از کاستی‌های گوناگون برکنار نماند، نشانه این بود که جامعه ایران سرانجام با شور و تلاش به پیشباز ارزش‌ها و نهادهای تمدن مدرن رفته است؛ ملتی خودآگاه به پشتوانه تلاش‌های جمعی و فداکارانه در آستانه پیدایش و بالندگی است، می‌کوشد همبستگی و وفاداری ملی را بر دلبستگی‌های کهن سایه‌افکن کند و دولتی ملی و کشوری سامانمند پدید آورد. در این فراگرد مفهوم قانون اساسی به عنوان پیمانی ملی و رهنمود و چارچوبی پایدار برای زندگی سیاسی کامیابانه ایرانیان و رفتار خردورزانه دولتی نیکخواه ملت، اهمیتی شگرف یافت.

قانون اساسی خواست‌های نیروهای اجتماعی - سیاسی گوناگونی را بازتاب می‌داد. شرایط و دشواری‌هایی که پدیدآورندگان اندیشناک و شتابان آن با آنها دست به گریبان بودند - به ویژه فشارهای آشکار و پنهان سلطنت‌خواهان و

پهنه زندگی عمومی در جریان بود نشان می‌دهد که دموکراسی از بنیادی‌ترین سرچشمه‌های الهام و از آرزوهای اصلی نهفته در انقلاب مشروطه بود.

انقلاب مشروطه جنبش هدفمندی برای دگرگونی بود که با اینکه پیوندهای نظام سیاسی - اداری و جامعه و فرهنگ ایران را با گذشته نمی‌توانست به یکباره یا به آسانی بگسلد، از همان آغاز نمودار آرزوهای ژرفی برای پی افکندن طرحی نو بود. بیداری، امیدواری، شور و سرگشتگی فرودستان و هراس‌های سرآمدان یا «غلیان و هیجانی [را که] در افکار عموم پیدا شد»، یکی از مشروطه‌خواهان چنین برمی‌شمارد:

واقعاً مانند اینکه صد هزار نفر در یک دشت همه در خواب بودند به یک ناگاه، رعدهای هولناک با نهایت شدت که گویا کوه‌ها به هم می‌ریخت همه را سراسیمه از خواب برخیزانده، چشم‌ها پر از خواب و نیمه‌بیدار، سرها پرشور و وحشت، به ناگهان بی‌اختیار به هر سو دوان شده، فریاد بکشند، به همدیگر برخوردند و غوغاها و ناله‌ها و نعره‌ها بلند شود، مردم ندانند به کدام سو می‌روند و به کجا می‌روند[،] و چه باید بکنند. حیران در وحشت و اضطراب بودند. بزرگان و ملاکین و اغنیا و حکام و مأمورین و مقتدران بی‌اندازه در وحشت و غرق ذلت و ترس. ضعفا و فقرا و مظلومین مانند شیر گرسنه که زنجیرش گسسته [،] غرش داشتند.^۱

به رغم مقاومت دامنه‌دار شماری از روحانیان که با اصولی مانند برابری همه ایرانیان در برابر قانون سرسختانه ناسازگاری می‌کردند سرانجام این اصل، و کار تکمیل قانون اساسی، به پایمردی مشروطه‌خواهان، به ویژه در تهران و تبریز، و فشار و ایستادگی بیش از صد و چهل انجمن در تهران، فرجام یافت. پدید آمدن مجلس و قانون اساسی را بسیاری از پیشروان مشروطه دستاوردی

۱. فریدون آدمیت، مجلس اول و بحران آزادی، تهران: انتشارات روشنگران، ۱۳۷۰، ص. ۱۱۴.

۱. خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی، به اهتمام غلامحسین میرزا صالح، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۹، ص. ۲۰۷.